



Ilam University



Iranian Association
of Constitutional Law

The Competence of Supervisory Institutions in Combating the Smuggling of Goods and Currency: Conflicts and Overlaps (A Comparative Study of the Legal Systems of Iran and Selected Islamic Countries)

Ayatollah Jalili Morad¹

1. Assistant Professor, Department of Public Law, Faculty of Law, University of Qom, Iran. Email: a.jalili@qom.ac.ir

Article Info

Article type:
Research Article

Article history:

Received 25 Aug 2025

Received in revised form 15
Sep 2025

Accepted 11 Oct 2025

Available online 22 Sep 2026

Keywords:

Supervisory Competence,
Supervisory Institution,
Smuggling of Goods and
Currency,
Iran,
Economic Public Law.

ABSTRACT

Efficient regulation of the competence of supervisory institutions in addressing the smuggling of goods and currency is indispensable for the stability, prosperity, and burgeoning of the economic system. This study aims to delineate the scope and implications of the competence of supervisory bodies in this regard in Iran and certain Islamic countries (namely Turkey and Malaysia). Employing a descriptive-analytical approach and a comparative examination of relevant laws and regulations, the study demonstrates that the scopes of competence do not significantly overlap. Pursuant to the Iranian Anti-Smuggling of Goods and Currency Act, each institution bears and is bound by its prescribed duties and competences: some are charged with detection, others with the adjudication of offences, and yet others, such as the Headquarters and provincial commissions, serve as policy-making and planning authorities. This carries substantive implications for public law theory and, in particular, for economic public law in Iran. In Turkey and Malaysia, too, the scope of duties and the authority of supervisory bodies are determined by law. The findings of the study confirm that, on the one hand, the spheres of competence of these institutions complement one another, thereby imparting fluidity to administrative affairs. On the other hand, parallel oversight among them ensures the requisite control and vigilance in combating the smuggling of goods and currency, thereby contributing to the consolidation of the rule of law.

Cite this article: Jalili Morad, Ayatollah. (2026). The Competence of Supervisory Institutions in Combating the Smuggling of Goods and Currency: Conflicts and Overlaps (A Comparative Study of the Legal Systems of Iran and Selected Islamic Countries). *Comparative Studies on Islamic Countries Law*, 4 (2), 25- 43. <http://doi.org/10.22034/lcs.2026.2076315.1197>



© The Author(s).

DOI: <http://doi.org/10.22034/lcs.2026.2076315.1197>

Publisher: Ilam University.



Ilam University



Iranian Association
of Constitutional Law

صلاحیت نهادهای نظارتی در مقابله با قاچاق کالا و ارز: تعارض‌ها و هم‌پوشانی‌ها (مطالعه تطبیقی در نظام‌های حقوقی ایران و برخی کشورهای اسلامی)

آیت اله جلیلی مراد^۱

۱. استادیار گروه حقوق عمومی، دانشکده حقوق، دانشگاه قم، ایران. رایانامه: a.jalili@qom.ac.ir

اطلاعات مقاله

چکیده

نوع مقاله:

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۶/۰۳

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۰۶/۲۴

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۷/۱۹

تاریخ انتشار: ۱۴۰۵/۰۶/۳۱

کلیدواژه‌ها:

صلاحیت نظارتی،

نهاد نظارتی،

قاچاق کالا و ارز،

ایران،

حقوق عمومی اقتصادی.

تنظیم‌گری کارآمد صلاحیت نهادهای نظارتی در مواجهه با قاچاق کالا و ارز، برای تعادل، شکوفایی و توسعه نظام اقتصادی حائز اهمیت است. هدف این پژوهش، تبیین حدود و آثار صلاحیت نهادهای ناظر در مبارزه با پدیده قاچاق کالا و ارز در ایران و برخی کشورهای اسلامی نظیر ترکیه و مالزی است. این پژوهش توصیفی-تحلیلی با واکاوی تطبیقی قوانین و مقررات مرتبط نشان می‌دهد که حدود صلاحیت نهادهای نظارتی هم‌پوشانی آن‌چنانی ندارند؛ زیرا طبق قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز هر نهاد، عهده‌دار و مقید به وظایف و صلاحیت‌های مقرر خود است: برخی وظیفه کشف، برخی وظیفه رسیدگی به جرائم و برخی نظیر ستاد و کمیسیون‌های استانی، مرجع سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی هستند. این امر واجد آثار وضعی برای نظریه حقوق عمومی و به‌طور خاص حقوق عمومی اقتصادی در ایران است. در ترکیه و مالزی نیز حدود وظایف و صلاحیت نهادهای ناظر مطابق قانون تعیین می‌گردد. یافته‌های پژوهش مؤید آن است که حوزه صلاحیت این نهادها از یک سوی تکمیل‌کننده یکدیگر هستند و این امر به سیالیت امور منجر می‌شود. از سوی دیگر، نظارت هم‌عرض میان آن‌ها موجب کنترل و مراقبت مقتضی در مقابله با قاچاق کالا و ارز می‌شود که این امر به تثبیت حاکمیت قانون کمک می‌کند.

استناد: جلیلی مراد، آیت اله (۱۴۰۵). صلاحیت نهادهای نظارتی در مقابله با قاچاق کالا و ارز: تعارض‌ها و هم‌پوشانی‌ها (مطالعه تطبیقی در نظام‌های حقوقی ایران و برخی کشورهای اسلامی). *مطالعات تطبیقی حقوق کشورهای اسلامی*، ۴ (۲)، ۴۳-۲۵.

<http://doi.org/10.22034/lcs.2026.2076315.1197>

© نویسندگان.

ناشر: دانشگاه ایلام.



مقدمه

قاچاق کالا به سبب آثار وضعی خطیری که در سلامت نظام مالی عمومی در پی دارد، همواره مورد توجه دولت‌ها بوده است. این امر به‌ویژه در نظام‌های حکمرانی با دامنه مداخله دولتی بالا نظیر دولت رفاه و دولت تنظیم‌گر اهمیت فزاینده یافته و قانون‌گذار را وادار به مداخله‌گری و موضع‌گیری و نهایتاً مقررہ‌گذاری در این حوزه کرده است (ابراهیمی و دانش، ۱۳۹۸: ۲۸۲). بررسی تطبیقی صلاحیت نهادهای نظارتی در مواجهه با قاچاق در ایران، مستلزم عبور از قرائت‌های صرفاً توصیفی نسبت به قوانین و حرکت به سمت تبیین و تحلیل‌های کارکردی در این حوزه است. از این‌رو، مباحث و قوانین مرتبط را نمی‌توان به صورت مجزا نگریست، چرا که این عناصر را باید به صورت شبکه‌ای و در ارتباط با هم دید که فقدان هر قاعده و نهاد ممکن است به ناکارآمدی تجمیعی یک نظام نظارتی منجر شود. سازوکارهای پیش‌بینی شده در قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز ایران که بخش قابل توجهی از آن‌ها در ساختار حکمرانی نهادینه و عملیاتی شده‌اند، نشان دهنده شکل‌گیری شبکه‌ای هماهنگ و مکمل از وظایف و کارکردها در حوزه پیشگیری، کشف، تعقیب و رسیدگی به تخلفات و جرائم مرتبط است.

تبیین نظری صلاحیت نظارتی به ویژه از مجرای مطالعه تطبیقی میان ایران و دو کشور ترکیه و مالزی، امکان درک عمیق‌تر از چگونگی توزیع قدرت نظارتی در چارچوب‌های قانونی مختلف را فراهم می‌سازد؛ از دیدگاه حقوق عمومی اقتصادی، دایره صلاحیت نهادهای نظارتی بایستی بر اساس قواعد و مقررات عمومی و در راستای اصل حاکمیت قانون باشد تا مجموعه نهادهای نظارتی در کشورهای مورد مطالعه بتوانند هم‌زمان کارآمد، قانون‌مدار و پاسخ‌گو به وظایف حساس مبارزه با قاچاق عمل نمایند. چرا که کارآمدی آن‌ها منوط به شفافیت و پاسخ‌گویی است (قاسمی و همکاران، ۱۴۰۲: ۱۱۱).

این موضوع از ابعاد مختلف حقوقی نظیر نظام کیفری ایران قابل بررسی است. شایان ذکر است این مقاله با رویکرد حقوق عمومی نگاشته می‌شود و مباحث مرتبط با حوزه کیفری از دامنه شمول سطور پیش رو خارج دانسته می‌شود. مهم‌ترین مسئله پژوهش این است که آیا اختیار و صلاحیت نظارتی نهادهای ناظر در جهت مبارزه با قاچاق کالا و ارز تعارض و هم‌پوشانی دارد؟ همچنین به موازات آن، سؤالات فرعی نیز قابل طرح است. ازجمله اینکه جایگاه اصل تناسب در صلاحیت و مداخله نظارتی چگونه ارزیابی می‌شود؟ فرضیه پژوهش بر این امر استوار است که با ملاحظه قانون قاچاق کالا و ارز می‌توان اذعان داشت که تعارض و هم‌پوشانی در صلاحیت و اختیارات نهادهای نظارتی مطابق قانون مزبور وجود ندارد و وظایف تمامی دستگاه‌ها و نهادهای ناظر در این قانون از هم تفکیک شده است. در این پژوهش بر آنیم تا نخست مبانی نظری و قانونی صلاحیت نهادهای نظارتی در مقابله با قاچاق کالا و ارز را مورد بررسی و تحلیل قرار داده، سپس اصل تناسب در صلاحیت و مداخله نظارتی را واکاوی و در نهایت صلاحیت نهادهای نظارتی در نظام‌های حقوقی کشورهای اسلامی ترکیه و مالزی را تحلیل و با رویکرد تطبیقی مورد مذاقه قرار دهیم.

۱. مبانی نظری صلاحیت نهادهای نظارتی در مقابله با قاچاق

مقابله با پدیده قاچاق به‌ویژه در ساحات اقتصادی، اداری و امنیتی آن، مستلزم وجود سازوکارهای نظارتی کارآمد، اثربخش و نهادی است که از صلاحیت‌های مقرر و مبتنی بر اصول حقوق عمومی برخوردار باشند. در حقوق

عمومی نظارت یکی از مفاهیم بنیادینی است که نقش اساسی در تحقق حاکمیت قانون، اصل تفکیک قوا و همچنین تضمین قانون مداری و پاسخ‌گویی ایفا می‌نماید (ویژه، ۱۳۹۳: ۲۱۳). بنابراین، این اصول حقوق عمومی به ویژه اصل حاکمیت قانون به دلیل ارتباط با مفهوم صلاحیت نظارتی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. هنگامی که از حاکمیت قانون بحث می‌شود یعنی اینکه هیچ نهادی فارغ از هر جایگاهی که دارند، فراتر از قانون نیستند و همه باید در برابر قانون پاسخ‌گو باشند (جلیلی و همکاران، ۱۴۰۴: ۶۳). با این نگرش، تحلیل مبانی نظری صلاحیت نهادهای نظارتی در مقابله با قاچاق به معنای واکاوی نسبت میان اقتدار حاکمیتی و حدود نظارت اداری و قضایی در حوزه‌ای است که منافع عمومی و امنیت اقتصادی جامعه در آن به‌طور مستقیم درگیر می‌شود. بر این اساس لازم است ابتدا به مفهوم و ماهیت حقوقی صلاحیت نظارتی پرداخته شود تا حدود نظری این مفهوم روشن گردد و در ادامه اصول حاکم بر صلاحیت نهادهای نظارتی به عنوان چارچوب هنجاری اعمال این صلاحیت بررسی خواهد شد. در نهایت، ساختار نهادی نظارت بر قاچاق در نظام حقوقی ایران مورد تحلیل قرار می‌گیرد تا نحوه تحقق عملی این مبانی در بستر حقوقی و سازمانی کشور تبیین شود.

۱-۱. مفهوم و ماهیت حقوقی صلاحیت نظارتی

«صلاحیت عرصه عملکرد قانونی مقام عمومی است» (مشهدی، ۱۴۰۲: ۷۹). صلاحیت نظارتی در حقوق عمومی، یکی از بنیادی‌ترین ابزارهای تحقق حاکمیت قانون و تضمین سلامت نظام اداری است. تبیین مفهوم و ماهیت این صلاحیت در چارچوب نظری حقوق عمومی، مستلزم تمایز دقیق آن از سایر اشکال صلاحیت حکومتی و بررسی جایگاه آن در نظام‌های حقوقی مختلف است. این مبحث، در ادامه مبانی نظری پیشین، درصدد است تا با نگاهی تحلیلی، مفهوم صلاحیت نظارتی را تبیین کرده و حدود و ثغور آن را در پرتو اصول بنیادین حقوق عمومی مشخص سازد.

صلاحیت نظارتی ماهیتی هنجاری و ساختاری دارد که در ارتباط با ایده‌ی حاکمیت قانون و اصل پاسخ‌گویی اداری قابل درک است. در حقوق عمومی صلاحیت را نباید تنها به عنوان اختیار قانونی در انجام عمل معین دانست؛ این مفهوم با ابعاد گوناگون بیانگر آن است که نظام اداری عمومی باید از شایستگی، توانمندی، کارآمدی و قابلیت لازم برای انجام مأموریت‌های قانونی خود برخوردار باشد (Fisher & Shapiro, 2020: 13). بنابراین با این قرائت می‌توان گفت که هدف صلاحیت نظارتی نهادهای ناظر، پایش اعمال سایر نهادها در چارچوب حاکمیت قانون است. در نهایت شایان ذکر است نهادهای ناظر نقش و جایگاه ویژه‌ای در ساختار حکمرانی و نظام پاسخ‌گویی عمومی دارند. چرا که مهم‌ترین وظیفه آن‌ها نظارت بر عملکرد سایر نهادهای عمومی، کشف و گزارش تخلفات و صیانت از اصول شفافیت و حاکمیت قانون است و اثربخشی این نهادها تا حد زیادی به استقلال و بی‌طرفی آن‌ها وابسته است (Bovens & Wille, 2021: 856). در ادبیات حقوقی، غالباً صلاحیت نظارتی را در چارچوب رابطه‌ی سلسله‌مراتبی میان مقام مافوق و مادون تفسیر مضیق شده است؛ اما تحول مفهوم نظارت در حقوق عمومی مدرن، این برداشت سنتی را پشت سر گذاشته است. امروزه صلاحیت نظارتی در معنایی فراتر از نظارت سلسله‌مراتبی نظیر اشکال گوناگونی از نظارت قانونی و عمومی می‌شود که غایت مشترک آن تضمین شفافیت، کارآمدی و پاسخ‌گویی در نظام حکمرانی است. در این چارچوب تضمین‌های روبه‌ای همچون قانونیت، برابری، بی‌طرفی و تناسب نیز نقش مهمی در تضمین تصمیم‌گیری مسئولانه

ایفاء می‌کند که در صورت نقض آن‌ها دولت باید با شناسایی اصل پاسخ‌گویی، یک نظام نظارت کارآمد داشته باشد که به طرفین راهکارهای اساسی و قانونی ارائه دهد (Sever, 2017: 59).

در نظام حقوقی ایران، صلاحیت نظارتی در بستر خاصی از حقوق عمومی شکل گرفته که ویژگی آن، ترکیب نظارت درون ساختاری با نظارت نهادهای مستقل است. مصرحات قانون اساسی از جمله اصول ۵۵، ۷۶، ۸۹ و ۱۷۴ جلوه‌های متنوعی از این صلاحیت را منعکس می‌کنند؛ به‌گونه‌ای که از طریق نظارت دیوان محاسبات بر هزینه‌های عمومی^۱ و مطابق اصل ۱۷۴ قانون اساسی نظارت سازمان بازرسی کل کشور بر حسن جریان امور و در نهایت از طریق نظارت مجلس شورای اسلامی بر امور کشور از طریق ابزارهای نظارتی سه بعد متمایز از صلاحیت نظارتی عمومی را تشکیل می‌دهند که زمینه پاسخ‌گویی مقامات و نهادهای تحت امر را مهیا می‌سازد (شفیعی سردشت و همکاران، ۱۳۹۷: ۸۵-۸۴). در مقایسه با نظام‌های حقوقی برخی کشورهای اسلامی، باید توجه داشت که ساختار نظارت در بسیاری از این کشورها متأثر از سنت‌های فقهی و نیز اقتباس از مدل‌های حقوقی غربی قرار دارد. در نظام حقوقی ترکیه شورای دولتی^۲ نمونه‌ای از نهادهایی است که صلاحیت نظارتی و قضایی را در هم آمیخته و به‌عنوان عالی‌ترین مرجع در نظارت بر اعمال اداری ایفای نقش می‌کند و بررسی قضایی تصمیمات و رویه‌ها در صلاحیت دادگاه‌های عمومی اداری است. در حالی که در فرانسه دادگاه‌های اداری بر این تصمیمات و رویه‌ها نظارت دارند (Ozturk, 2019: 97, 103). با این اوصاف چنین تنوعی حاکی از آن است که مفهوم صلاحیت نظارتی در کشورها وابسته به سطح توسعه حقوق عمومی و تفکیک قوا از درجات مختلفی از استقلال و کارآمدی برخوردار است.

۱-۲. اصول حاکم بر صلاحیت نهادهای نظارتی

«نظام حقوقی ایران با پیروی از اصل سلسله مراتب قواعد حقوقی، نهادهایی را جهت صیانت از قانون اساسی در برابر قوانین و مقررات پیش‌بینی کرده است» (تقی‌زاده و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۲۵). نظام نظارت در حقوق عمومی بر پایه اصول و مبانی حقوقی استوار است که حدود و قلمرو صلاحیت نهادهای نظارتی را تعیین و تبیین می‌کند. فهم دقیق این مبانی افزون بر اینکه شرط لازم برای ارزیابی مشروعیت و کارآمدی مداخلات نظارتی است، امکان بررسی رابطه میان اقتدار نظارتی و الزامات حاکمیت قانون را نیز فراهم می‌سازد. در این چارچوب اصل حاکمیت قانون به‌مثابه سنگ‌بنای نظم اداری و سیاسی تضمین‌کننده آن است که هرگونه اقدام اداری باید دارای مبنای قانونی باشد و هیچ نهاد نظارتی فراتر از حدود قانونی خویش عمل نکند، بر این اساس تفکیک وظایف و صلاحیت‌ها نیز باید در چارچوب نظم حقوقی مستقر رعایت شود و ارزش اساسی و بنیادین آن، بیشتر ایده محدود کردن قدرت دولتی است (Janderova, 2019: 117-118). بنابراین با توجه مطالب بیان شده می‌توان گفت نظام نظارت در حقوق عمومی باید در چارچوب اصل حاکمیت قانون اعمال شود و صلاحیت نهادهای نظارتی نیز محدود به حدودی باشد که قانون تعیین کرده است.

۱- برای مطالعه بیشتر بنگرید: درویشی، بابک و همکاران، (۱۴۰۳) حقوق مالی با رویکرد حقوق عمومی، انتشارات دانشگاه قم، چاپ دوم. ص ۱۹ و صص ۱۲۷-۱۲۸.

۱-۲-۱. اصل حاکمیت قانون و تفکیک عملکرد نهادها

حاکمیت قانون در وسیع‌ترین معنای خود، به این معنی است که همه باید از قانون اطاعت کنند و توسط آن اداره شوند (Raz, 2017:77). آرمان اصل حاکمیت قانون مبنای بنیادین و چارچوب محوری حقوق اداری است؛ به گونه‌ای که اصول و قواعد این حوزه در پرتو آن شکل می‌گیرند و اعمال می‌شوند. در عین حال این اصل خود نیز به عنوان اصلی حاکم و راهنما حدود و نحوه اعمال قدرت اداری را تعیین می‌کند (Harlow, 2006:190). این اصل به عنوان یکی از بنیادی‌ترین قاعده سامان‌دهنده روابط قدرت در دولت مدرن، شالوده‌ای است که مشروعیت و تحدید صلاحیت نهادهای نظارتی بر آن استوار است.

حاکمیت قانون در حقوق عمومی بر نظامی مبتنی بر قوانین، نهادها و قواعد استوار است که با تضمین پاسخگویی نهادهای عمومی، حاکمیت قانون، حکومت شفاف و اجرای عادلانه قانون را تحقق می‌بخشد و بدین ترتیب قانون را مبنای مشروعیت و سنجش عملکرد نهادها قرار می‌دهد (Aghenitei & Samdani, 2022:1). برخی مفهوم حاکمیت قانون را به عنوان آرمان مشروطه‌گرایی توضیح داده و آن را فراتر از صرف یک چارچوب رویه‌ای تعریف نموده و آن را به عنوان یک اصل بنیادین برای محافظت از آزادی‌های فردی و محدود کردن قدرت دولت ارائه می‌دهند.^۱ با این نگرش، قانون صرفاً منبع ایجاد صلاحیت نیست، اما کارکرد آن به عنوان عامل تنظیم‌کننده تعامل میان نهادهای ناظر و مجری ایفای نقش می‌کند. این تلقی از حاکمیت قانون، نظارت را به صورت منطقی در ساختار تفکیک وظایف نهادی جای می‌دهد و از انحراف آن به سمت تمرکزگرایی یا تداخل وظایف پیشگیری می‌کند. در همین راستا در خصوص صلاحیت و تفکیک وظایف نهادها، قانون‌گذار در ایران وظایف نهادهای مرتبط را تفکیک نمود. طبق ماده ۳۶ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز برخی دستگاه‌ها به عنوان کاشف تخلفات و جرائم مرتبط با قاچاق کالا و ارز عمل می‌کنند. مثل گمرک جمهوری اسلامی، بانک مرکزی و... کالا و ارز قاچاق را کشف می‌نمایند.^۲ همچنین مطابق ماده ۴۷ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز برخی به عنوان دستگاه‌های مأمور وصول درآمدهای دولت مانند سازمان گمرک و سازمان جمع‌آوری و فروش اموال تملیکی دولت می‌باشند.

بنابراین با توجه به مطالب مطرح‌شده و ملاحظه قوانین مرتبط، صلاحیت و اختیارات نهادهای ناظر بر مبارزه با قاچاق کالا و ارز فاقد همپوشانی و تعارض بوده و هر یک در چارچوب حدود و صلاحیت‌های قانونی مقرر به ایفای وظایف نظارتی خود می‌پردازند. نهادهای نظارتی مستقل امروزه به عنوان یکی از ارکان بنیادین دموکراسی‌های نوین شناخته می‌شوند، برخی معتقدند این نهادها که از آن‌ها به عنوان نهادهای دیده‌بان یاد می‌شود نقش بسیار مهمی در ارتقای شفافیت، پاسخ‌گویی و افزایش کارآمدی قوه مجریه ایفا می‌نمایند و دیگر اینکه با نظارت مؤثر خود بر عملکرد دستگاه‌های اجرایی به بهبود کیفیت حکمرانی و تضمین پاسخ‌گویی عمومی کمک می‌کنند (Bovens & Wille, 2021:856). براین اساس، می‌توان بیان داشت که تفکیک صلاحیت‌ها و اختیارات نهادهای نظارتی ضمن پیشگیری از ایجاد تداخل وظایف، زمینه ایفای مؤثر نقش هر یک از این نهادها را در نظام نظارتی فراهم می‌سازد، در نهایت همین امر باعث کارآمدی و تضمین سلامت نظام نظارتی شده است.

۱- برای مطالعه بیشتر، بنگرید: Allan, T. R. (2003). *Constitutional justice: a liberal theory of the rule of law*. OUP Oxford.

۲- برای مطالعه بیشتر، ر ک: ماده ۳۶ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز

اصل حاکمیت قانون و تفکیک وظایف نهادی را می‌توان دو مؤلفه مکمل هم در ترسیم قدرت عمومی دانست. این هم‌پیوندی نشان می‌دهد که تحقق حاکمیت قانون فراتر از تصویب قواعد حقوقی است و در گرو ساختارهای تفکیک یافته نهادی معنا پیدا می‌کند. چنان‌که در غیاب تفکیک وظایف قانون به ابزار تمرکز قدرت تبدیل می‌شود و در غیاب حاکمیت قانون تفکیک وظایف به صورت صوری و فاقد ضمانت اجرا باقی می‌ماند، از این‌رو لازم است نهادهای ناظر قانون را به گونه‌ای که در تضاد با اصول قانون اساسی و حاکمیت قانون نباشد، تفسیر نمایند (Bingham, 2007: 69). بنابراین می‌توان گفت که این تعامل دوسویه، بنیان نظری برای طراحی نظام نظارتی متوازن و مشروع فراهم می‌سازد؛ در این چارچوب حاکمیت قانون زمانی می‌تواند به طور مؤثر تحقق یابد که قدرت عمومی میان نهادهای مختلف توزیع شده و اعمال این قدرت نیز تحت نظارت و در چارچوب قانون اساسی و اصول حاکمیت قانون قرار داشته باشد.

۱-۲-۲. اصل تناسب در صلاحیت و مداخله نظارتی

اصل تناسب با اهداف قانون پیوند دارد و صرفاً از تصمیم‌گیرندگان می‌خواهد توضیح دهند که چرا محدود کردن یک منفعت یا حق فردی برای دستیابی به اهداف مورد نظر قانون ضرورت داشته است (Bougey, 2015: 87). اصل تناسب در صلاحیت و مداخله نظارتی یکی از مهم‌ترین معیارهای عدالت اداری و تجلی عقلانیت حقوقی در تنظیم روابط میان نهادهای نظارتی و مراجع اداری است. پس از تبیین جایگاه اصل حاکمیت قانون و ضرورت تفکیک وظایف نهادی بحث از تناسب به‌منزله پلی مفهومی میان مشروعیت مداخله و حدود صلاحیت نهاد ناظر عمل می‌کند. ورود به این مبحث در واقع بیانگر گذار از سؤال چه کسی حق نظارت دارد؟ به پرسش بنیادین‌تر نظارت تا چه اندازه و با چه کیفیتی موجه است؟ می‌باشد؛ برخی معتقدند که در استفاده از اصل تناسب این سؤال مطرح می‌شود که آیا مقام اداری در هنگام اتخاذ تصمیم، محاسن و معایب آن را مورد سنجش قرار داده و توانسته میان آن‌ها تعادل برقرار نماید (مشهدی، ۱۳۹۷: ۹۱).

اصل تناسب شامل سه مرحله است که به صورت تجمیعی ارزیابی می‌شوند: نخست، بررسی مناسب بودن اقدام برای تحقق هدف عمومی؛ دوم، ارزیابی ضرورت اقدام و امکان جایگزین کمتر محدودکننده و در نهایت تعادل اثرات اقدام بر حقوق محدودشده با منفعت عمومی حاصل از آن است. به عبارت دقیق‌تر، هر مداخله نظارتی تنها در صورتی مشروع است که میان سه عنصر کلیدی هدف قانونی، ابزار نظارتی و آثار مداخله نوعی تعادل منطقی و حقوقی برقرار باشد (Ranjan, 2014: 856). بنابراین، اصل تناسب در حوزه نظارت را می‌توان این‌گونه تبیین نمود که باید میان هدف نظارت، دامنه صلاحیت و حتی ابزار مورد استفاده و شدت مداخله تناسب وجود داشته باشد به نحوی که تصمیم اتخاذ شده مطابق قانون و مشروع باشد؛ اما اختیار اجرایی به مقام اداری باید محدود و در چارچوب قانون باشد، چرا که اگر نامحدود باشد، می‌تواند چارچوب تفکیک قوا در قانون اساسی را به طور قابل توجهی تغییر دهد (Price, 2014: 674). مع الوصف مقامات اداری حق تجاوز از حدود اصل تناسب را ندارند، چرا که در این صورت عملاً نقض حاکمیت قانون محسوب می‌شود و دیگر اینکه رعایت این اصل باعث رشد و ارتقای کیفیت تصمیمات مقام اداری می‌گردد که در نهایت تقویت اعتماد عمومی به نظام اداری را در پی دارد.

۱-۲-۳. صلاحیت نظارتی و اصل پاسخگویی عمومی

ارتباط میان صلاحیت نظارتی و اصل پاسخگویی عمومی را می‌توان حلقه مفهومی تکمیل‌کننده در منظومه اصول حاکم بر مشروعیت قدرت نظارتی دانست. پس از تبیین اصول حاکمیت قانون و تناسب در مداخله، اکنون تحلیل پیوند نظارت با پاسخگویی از حیث نظری و کارکردی نشان می‌دهد که هیچ صلاحیت نظارتی بدون تعهد به پاسخگویی قابل استمرار و مشروع نیست. پاسخگویی عمومی به عنوان پیوندی تحلیل می‌شود که به شیوه‌ای دموکراتیک یک کنشگر تنظیم‌گر و عموم ذی‌نفعان، یعنی مجموعه‌ای از افرادی که تحت تأثیر فعالیت‌های نظارتی آن قرار می‌گیرند را متحد می‌کند (Hachez & Wouters, 2011: 677).

نهادهای نظارتی باید در عمل اختیارات پاسخگویی خود را اعمال کنند، زیرا آن‌چه بیش از هر چیز اهمیت دارد تحقق پاسخگویی در عمل است. صلاحیت نظارتی در نظام حقوق عمومی مدرن، تنها زمانی واجد مشروعیت است که در پی تحقق غایات پاسخگویی باشد. در این چارچوب پاسخگویی به عنوان مفهومی چندلایه ارتباطی بنیادین با صلاحیت نظارتی دارد؛ چرا که نهادهای ناظر می‌بایست نسبت به نحوه اعمال صلاحیت خود در برابر قانون و جامعه پاسخگو باشند و دیگر اینکه بدون وجود نهادهای ناظر امکان افشای تخلفات و همچنین ارزیابی عملکرد دستگاه‌های نظارت شونده وجود ندارد؛ این نهادها می‌توانند در عمل از قدرت قابل توجهی برای پاسخگو ساختن دستگاه‌های اجرایی برخوردار شوند. با این وصف نهادهای نظارتی باید در عمل اختیارات پاسخگویی خود را اعمال کنند، زیرا آن‌چه بیش از هر چیز اهمیت دارد تحقق پاسخگویی در عمل است (Bovens & Wille, 2021: 860-861). پاسخگویی عمومی در حکومت دموکراتیک را می‌توان به عنوان رابطه یک نهاد حاکم با عموم مردم تعریف کرد که بر اساس آن، عموم مردم از نهادهای حاکم بخواهند درباره تصمیمات، اقدامات و عملکرد خود توضیح و گزارش ارائه دهند و در صورت اقتضا، پیامدها یا هزینه‌های ناشی از آن عملکرد را نیز متحمل شود (Hachez & Wouters, 2011: 690).

پاسخگویی یکی از مفاهیم بنیادین حقوق عمومی است که در رویه قضایی و حتی در آثار اندیشمندان حقوقی به عنوان یکی از ارزش‌های اساسی دموکراسی مبتنی بر قانون اساسی و حاکمیت قانون دارای اهمیت زیادی است (Gersen & Stephenson, 2014: 186). در این راستا، شهروندان باید نسبت به مقامات منتخب و نهادهای دموکراتیک از ظرفیت اعطای اختیار و اعمال نظارت برخوردار باشند (Koliba, 2025: 23). به بیان دیگر می‌توان گفت نهادهایی که مسئول کنترل دیگران‌اند، خود باید در برابر قانون و جامعه پاسخگو باشند. پاسخگویی اهداف عمده و اساسی همچون شفافیت، کنترل، مجازات و جبران خسارت وارده به افراد و یا منافع عمومی را در پی دارد به همین دلیل شایسته است نقش پاسخگویی به عنوان یکی از ارزش‌های بنیادین حقوق عمومی، بیش از پیش مورد توجه و بررسی قرار گیرد (Rock, 2017: 22-24). این دیدگاه به‌ویژه در نظام‌های حقوقی که دموکراسی و دولت قانون‌مدار بر آن حاکم است موجب انتقال تمرکز از نظارت پسینی به پاسخگویی پیشینی می‌شود؛ یعنی نهادها باید پیش از اعمال تصمیمات نیز پاسخگو باشند که چرا و چگونه به تصمیم یا اقدام خاصی دست می‌زنند.

برخی معتقدند پاسخگویی واجد دو مفهوم فضیلت و سازوکار است و در هر دو دارای اهمیت بسیار هستند. بر این اساس اهمیت پاسخگویی به عنوان فضیلت به این جهت است که به مقام‌های عمومی و سازمان‌های عمومی مشروعیت می‌بخشد و همچنین اهمیت آن به عنوان یک سازوکار به جهت این‌که ابزاری برای محقق ساختن حکمرانی پاسخگو و در نهایت تقویت مشروعیت آن به شمار می‌رود (Bovens, 2010: 954). با توجه به عبارت مطرح

شده می‌توان گفت پاسخ‌گویی در حکمرانی عمومی دارای دو بعد اساسی فضیلت و سازوکار است که هر دو در تعامل با یکدیگر زمینه تقویت مشروعیت و کارآمدی حکمرانی عمومی را فراهم می‌کنند.

۱-۳. نظارت بر قاچاق کالا و ارز در نظام حقوقی ایران

سیر تاریخی و تحول صلاحیت نهادهای نظارتی در حوزه قاچاق کالا و ارز در ایران به تدریج و در بستر تعامل و تقسیم صلاحیت میان دستگاه‌های اجرایی و قضایی متناسب با نیازهای هر دوره شکل گرفته است. از این‌رو، برخی معتقدند که مسئله مبارزه با قاچاق مستلزم همکاری و هماهنگی در تمامی سطوح دولت است تا مؤثرتر واقع گردد (عقیقی و مرشدی، ۱۴۰۴: ۱۳۸۶). این گذار از تأسیس ستاد مرکزی مبارزه با قاچاق کالا و ارز به عنوان کانون هماهنگی و سیاست‌گذاری که با فرمان رهبری در ۱۲ تیر ۱۳۸۱ تشکیل و به تدریج در ساختار قانونی و رویه‌های اداری جای خود را تثبیت کرد، آغاز شد (یاوری و همکاران، ۱۴۰۱: ۲۹۴). مطابق ماده ۳ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز، ستاد مبارزه با قاچاق کالا و ارز مسئول سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی، هماهنگی و نظارت بردستگاه‌های مسئول را بر عهده دارد.^۱ تمامی مصوبات این ستاد پس از امضای رئیس‌جمهور در موضوعات مرتبط با ستاد در این ماده برای تمامی دستگاه‌های اجرایی و فرماندهی انتظامی جمهوری اسلامی ایران لازم‌الاجراست.

همچنین این ستاد طبق تبصره ۳ ماده ۵ مبارزه با قاچاق کالا و ارز وظیفه دارد از طریق وزارت اطلاعات و با همکاری وزارتخانه‌های صنعت، معدن و تجارت، امور اقتصادی و دارایی، بانک مرکزی و سایر دستگاه‌های ذی‌ربط به تمامی مراحل از تهیه تا بهره‌برداری از سامانه شناسایی و مبارزه با کالای قاچاق اقدام نماید؛ بنابراین مطابق این قانون، ستاد با همکاری نهادهای مذکور نظارت بر تمامی فرآیند صادرات، واردات، شناسایی و مبارزه با قاچاق کالا و ارز را با راه‌اندازی سامانه‌ها بر عهده دارد. قانون‌گذار در ماده ۶ به منظور جمع‌داده‌ها و یکپارچه‌سازی اطلاعات مربوط به سامانه‌های مذکور در تبصره ۳ ماده ۵ و به منظور کاهش زمینه‌های بروز قاچاق کالا و ارز، دستگاه‌های مسئول مربوط به سامانه‌های الکترونیکی و تکالیف قانونی آن‌ها را تبیین نموده است. برای مثال وزارت امور اقتصادی و دارایی از طریق گمرک موظف به نظارت بر صادرات و واردات کالاها می‌باشد.

برای فهم دقیق‌تر نقش نهادهای نظارتی لازم است سه قوه و نهادهای وابسته به آن‌ها را با نگاه به کارکردهای نظارتی تفکیک کنیم: نخست دیوان محاسبات که بر مبنای وظایف قانونی خود، عهده‌دار اعمال کنترل و نظارت مستمر مالی به منظور پاسداری از بیت‌المال است. ذکر این نکته ضروری است که نقش دیوان محاسبات در مبارزه با قاچاق کالا و ارز ماهیتی مستقیم ندارد و تنها به جهت اعمال نظارت مالی و انجام وظایف حسابرسی قابل بررسی و تبیین است. از این زاویه دیوان محاسبات می‌تواند نقش کلیدی در تشخیص زیان‌های مالی ناشی از قاچاق و گزارش به مجلس و در موارد لزوم نیز به نهادهای سیاست‌گذار ایفا نماید. این گزارش‌ها از طریق دیوان محاسبات عمومی در تضمین و صیانت از اجراهای سیاسی و قضایی بسیار حائز اهمیت بوده که در نهایت توسط پارلمان اعمال می‌گردد (تقی زاده و خلیلیان، ۱۴۰۳: ۱۳۷-۱۳۶)؛ دوم، سازمان بازرسی کل کشور که به موجب قانون تشکیل شده در ماده یک این قانون دو هدف عمده نظارت بر حسن جریان امور و اجرای صحیح قوانین در دستگاه‌های اداری مقرر شده است (آقایی طوق و لطفی، ۱۴۰۱: ۲۷۲-۲۷۱). مع‌الوصف می‌توان گفت این سازمان به عنوان نهاد ناظر بر حسن اجرای

۱- برای مطالعه بیشتر رک: قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز (با اصلاحات ۱۴۰۰/۱۱/۱۰ مجلس شورای اسلامی)

قوانین، در حدود وظایف و اختیارات قانونی خود بر نحوه اجرای قوانین مرتبط با مبارزه با قاچاق کالا و ارز نظارت می‌کند؛ سوم، بانک مرکزی که بر اساس وظایف قانونی‌اش موظف به حراست از ثبات مالی (مظهری و همکاران، ۱۴۰۳: ۳۹) و نظارت بر نظام پرداخت و معاملات ارزی است (درویشی و همکاران، ۱۴۰۳: ۲۷). همچنین ذکر این نکته نیز ضروری به نظر می‌رسد که مطابق ماده ۷ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز، بانک مرکزی به منظور پیشگیری و کنترل بازار مبادلات غیرمجاز ارز دو وظیفه مهم؛ تعیین و اعلام میزان ارز قابل نگهداری و مبادله در داخل کشور و مواردی از این قبیل و ایجاد سامانه اطلاعات مالی صرافی‌ها و رصد و ارزیابی فعالیت آن‌ها را بر عهده دارد؛ بنابراین می‌توان اذعان نمود که این بانک در پیشگیری مسائل قاچاق ارز و مدیریت جریان‌های مالی مرتبط با قاچاق نقش بسیار حائز اهمیت و کلیدی ایفا می‌نماید.

۲. صلاحیت نظارتی در نظام‌های حقوقی ترکیه و مالزی

مطالعه صلاحیت نهادهای نظارتی در نظام‌های حقوقی اسلامی موضوعی است که هم از حیث اصل حاکمیت قانون و هم از دیدگاه کارکردهای عملی دستگاه‌های ضد فساد و کنترل مالی اهمیت راهبردی دارد. بنابراین در این قسمت بنا داریم تا ابتدا الگوی ترکیه را که بر تمرکز نظارت در چارچوب شورای بازرسی تأکید دارد، سپس الگوی مالزی که تلفیق کارکردهای نظارت مالی، گمرکی و ارزی را نشان می‌دهد، بررسی و تحلیل نماییم.

۲-۱. الگوی ترکیه: تمرکزگرایی در چارچوب شورای بازرسی

از آنجایی که ترکیه به عنوان یک مکان ترانزیت بین شرق و غرب، یکی از مسیرهایی بوده است که گروه‌های جرائم سازمان‌یافته از طریق آن کالاهای غیرقانونی را با همکاری سایر شبکه‌های جنایی حمل می‌کنند. ترکیه در طول دهه گذشته اقدامات متقابلی را علیه تهدیدات گروه‌های جرائم سازمان‌یافته و فعالیت‌های آن‌ها مطابق با الزامات اتحادیه اروپا اجرا کرده است (Toktas & Selimoglu, 2012:135). برای مثال اقدامات مهمی در جهت مبارزه با قاچاق کالا از جمله سوخت در نظر گرفته شد و راهکارهایی نیز مطرح‌شده که مهم‌ترین پیشنهاد، تخفیف ویژه مالیات بر مصرف و در نظر گرفتن مقادیر در جرمه‌ها است (Kıncı et-al., 2022:889). چرا که فرار مالیاتی از محصولات سوختی موجب محروم شدن کشور از این درآمدها می‌شود (Yoruldu & Turan, 2024:15).

قاچاق سوخت علاوه بر زیان‌های مالیاتی، تهدیدی برای محیط‌زیست، سلامت عمومی و امنیت اجتماعی است. برخی بازنگری قوانین، تقویت نظام مجازات‌ها، ایجاد وحدت رویه قضایی، استفاده از فناوری‌های نظارتی را به عنوان راهکار و رهایی از این معضل پیشنهاد داده‌اند (Ozkurt, 2025:938). الگوی ترکیه در تمرکز نظارت بر تجارت غیرقانونی و پول‌شویی بیشتر به میزان هماهنگی و همکاری بین نهادهای مختلف وابسته است. بنابراین کارآمدی ابتکارات مبارزه با پول‌شویی با بهبود همکاری و ارتباط میان قوه مجریه، نهادهای مجری قانون و بنگاه‌های اقتصادی افزایش خواهد یافت. این امر منجر به بهبود گزارش‌دهی فعالیت‌های مالی مشکوک و اجرای مؤثرتر قوانین در مراحل بعدی می‌شود (Turksen, 2011: 279).

تجربه ترکیه نشان می‌دهد وجود سازوکارهای هماهنگی نظیر قوانینی همچون قانون شماره ۵۶۰۷ در جهت مبارزه با قاچاق کالا و قانون ۵۵۴۹ به منظور پیشگیری از پول‌شویی اثر بسیار زیادی در تسریع کشف و تحقیق جرائم

مرتبط با قاچاق و پول‌شویی دارد. قانون‌گذار در قانون ۵۵۴۹ ترکیه، نظارت و مسئولیت اشخاص و نهادهایی مانند بانک‌ها، مؤسسات مالی، صراف‌ها و ... را که در معرض ریسک هستند، تبیین نموده است. همچنین ذکر این نکته در خصوص مبارزه با قاچاق در ترکیه بسیار حائز اهمیت است که قانون‌گذار با تصویب قانون شماره ۵۶۰۷ در ماه مارس سال ۲۰۰۷ با هدف پیشگیری، کشف، تحقیق و مجازات اعمال قاچاق و نیز تعیین روش‌ها و اصول مبارزه با قاچاق تدوین و دیگر اینکه این قانون، اعمال قاچاق کالا را جرم‌انگاری نموده و چارچوب مجازات و اجرای آن را نیز مشخص نموده که در ادامه مفاد آن را تبیین خواهیم نمود. مطابق ماده ۳ قانون مزبور، مواد متعددی برای مصادیق رفتارهای قاچاق از جمله وارد کردن کالا بدون انجام تشریفات گمرکی، استفاده از روش‌های تقلب‌آمیز، تخلف در اجرای قوانین گمرکی خاص و خرید، فروش، حمل یا نگهداری کالای قاچاق تعیین نموده است که در نهایت همه موارد اشاره شده، جرم‌انگاری شده و برای تحقق طبق ماده ۴ همین قانون دو عنصر مادی و روانی لازم است؛ بنابراین با توجه به مطالب مطروحه می‌توان گفت که گمرک از جمله نهادهایی است که با هدف پیشگیری از قاچاق کالا و همچنین کنترل و نظارت بر کالاها وظیفه بسیار مهمی بر عهده دارد.

در همین راستا مطابق ماده ۱۹ این قانون، قانون‌گذار به‌طور مشخص مسئولیت اجرایی و نظارتی در زمینه مبارزه با قاچاق کالای ترکیه را مشخص نموده و اعضای نهادهای دولتی ذی‌ربط را به‌عنوان ضابطان اجرای قانون معرفی می‌نماید. به سخن دیگر نهادهای ناظر که باید قانون را اجرا و اعمال نمایند؛ مشخص نموده است. این ماده به صورت واضح نهادهای دولتی و حتی محلی مسئول اجرا و نظارت بر مبارزه با قاچاق کالا در ترکیه را تعیین می‌کند. با این اوصاف وظایف پیشگیری، کشف، توقیف و پیگیری اولیه جرائم قاچاق بر عهده نهادهای اجرایی قوه مجریه است و نقش دستگاه قضایی عمدتاً در مرحله رسیدگی قضایی اعمال می‌شود؛ بنابراین می‌توان بیان نمود تمامی نهادهای ناظر از جمله گمرک، پلیس و نیروهای مربوطه برای مقابله مؤثر با پدیده قاچاق، به ویژه قاچاق کالا به صورت هماهنگ و منسجم عمل می‌نمایند. همچنین وظایف، اختیارات و صلاحیت هر کدام از این نهادها مطابق قانون تعیین شد؛ از این‌رو، لازم است نظام صلاحیتی در ترکیه بر اساس کارکرد سامان دهی شود. به گونه‌ای که با تقویت مؤلفه‌های چون شفافیت، نظارت قضایی و انطباق آن با استانداردهای بین‌المللی، کارآمدی و قانون‌مداری سیاست‌های این کشور در زمینه مقابله با قاچاق کالا و پول‌شویی ارتقاء یابد.

۲-۲. الگوی مالزی: تلفیق نظارت مالی، گمرکی و ارزی

بررسی جایگاه سازمان گمرک سلطنتی مالزی و بانک نگارا مالزی در نظام نظارتی که کنترل‌های گمرکی و پولی را به هم مرتبط می‌کند، از نظر روش بررسی و کاربرد عملی دارای اهمیت زیادی است. از این‌رو، ملاحظه و بررسی معیارهای مرتبط با پرونده‌های تحت رسیدگی بانک نگارا مالزی می‌تواند زمینه‌ای برای افزایش آگاهی سازمان‌ها در مالزی و تقویت نظارت‌های داخلی بانکی فراهم آورد (Omar, 2016: 257). از دیدگاه حقوق عمومی و با تأسی از حاکمیت قانون استفاده از گزارش‌های واحدهای اطلاعات مالی در فرایندهای قضایی می‌تواند به کشف بهتر جرائم و تقویت ارزش ادله در دادگاه کمک کند. با این حال، بهره‌گیری از این اطلاعات باید تحت نظارت قانونی و قضایی دقیق انجام شود تا ضمن حفظ حقوق دفاعی افراد، از هرگونه سوءاستفاده احتمالی جلوگیری شود. همچنین ذکر این نکته نیز ضروری است که تلاش گسترده‌ای در ایجاد دسترسی سازمان‌های اجرای قانون به ثبت‌های متمرکز

حساب‌های بانکی در چندین حوزه قضایی، تبادل اطلاعات مالی بین واحدهای اطلاعات مالی فعال در حوزه‌های قضایی و تبادل اطلاعات مالی بین واحدهای اطلاعات مالی و نهادهای اجرای قانون شده است، هرچند همچنان چالش‌ها و آسیب‌هایی نیز وجود دارد و همین مسئله می‌تواند اثربخشی مبارزه با پول‌شویی و تأمین مالی تروریسم را کاهش دهد (Pavlidis, 2020: 369- 370).

مالزی با توجه به موقعیت ترانزیتی خود در منطقه جنوب شرق آسیا به طور مداوم و حتی پیش از استقلال خود، کانون قاچاق از جمله مواد مخدر بوده است (Ismail & Jaafa, 2015: 44). درست است که مواد مخدر نیز نوعی قاچاق محسوب می‌شود، اما ما بنا داریم قوانین مرتبط مبارزه با قاچاق کالا و ارز را در نظام حقوق مالزی به اختصار تبیین و تحلیل نماییم. از جمله قوانین مرتبط می‌توان به قانون گمرک مالزی، قانون مبارزه با پول‌شویی و جرائم مالی و قانون کنترل ارز و گردش پول مالزی اشاره نمود. با توجه به مفاد قانون گمرک مالزی،^۱ قانون‌گذار ابزارهای قانونی را برای نظارت بر گمرک، صریحاً تبیین نموده است. از جمله مهم‌ترین آن می‌توان به اختیارات گسترده دسترسی و بازرسی محل‌ها و کسب‌وکارها توسط مأموران گمرک، توقیف کالاها، بازداشت متخلفان و جمع‌آوری مدارک در فرآیند نظارت و الزام به ارائه اسناد، سوابق و اطلاعات دقیق در همکاری با گمرک اشاره نمود. ماده ۱۰۶ (B) قانون گمرک مالزی مقرر می‌دارد به منظور اجرای مفاد این قانون، یک مقام ارشد گمرک، در ارتباط با اجرا، تحقیق و بازرسی، از کلیه اختیارات یک مأمور پلیس، صرف‌نظر از رتبه وی، برخوردار خواهد بود و این اختیارات و صلاحیت‌ها از یک سو فراتر از اختیارات اعطایی به مقام اداری گمرک است و از سوی دیگر ناقض و محدود کننده اختیارات آنان نمی‌باشد؛ بنابراین به موجب این ماده به صورت کلی دامن‌ه صلاحیت و اختیارات مأمور گمرک به نحو وسیعی توسعه داده شد.^۲ بر این اساس می‌توان برداشت نمود که توسعه صلاحیت نظارتی مقامات گمرک نشان دهنده اهمیت مبارزه با قاچاق در کشور مالزی است. همچنین طبق مفاد ماده ۱۳۵ قانون گمرک مالزی کلیه رفتارهای مرتبط با واردات، صادرات، نگهداری و جابه‌جایی کالای قاچاق را جرم تلقی و همین امر مبنای قانونی مداخله مأموران گمرک در برخورد با قاچاق کالا را فراهم می‌سازد. در تکمیل و تأیید این ماده، قانون‌گذار در ماده ۱۳۶ مجازات برای مزاحمت و مقاومت در برابر گمرک تعیین نموده و در ماده ۱۳۷ با جرم‌انگاری هرگونه تبانی یا رشوه در فرآیند اجرای قانون نیز مجازات تعیین نموده است؛ بنابراین می‌توان گفت که قانون‌گذار با تعیین مجازات و جرم‌انگاری درصد بود تا با حمایت کیفری سلامت و اقتدار نظام نظارتی گمرک مالزی را تضمین نماید؛ از این‌رو با توجه به مطالب مطروحه می‌توان بیان نمود که نظام حقوقی مالزی با اعطای صلاحیت‌های گسترده نظارتی به مقامات گمرکی بستر قانونی مؤثری برای مقابله با قاچاق فراهم ساخته است.

نتیجه‌گیری

همان‌گونه که ملاحظه می‌شود از دیدگاه مبانی حقوق عمومی اقتصادی و با مطالعه قوانین و مقررات مرتبط با حوزه قاچاق کالا و ارز در نظام حقوقی ایران و همچنین با نگاهی به دو کشور ترکیه و مالزی، صلاحیت و اختیارات نهادهای ناظر بر اساس قواعد و مقررات و در راستای اصل حاکمیت قانون می‌باشد. مقابله با پدیده قاچاق در تمامی ابعاد آن،

1- Customs Act 1967

۲- برای مطالعه بیشتر بنگرید: به بخش‌های مهم Part XII قانون گمرک مالزی

مستلزم وجود سازوکارهای نظارتی کارآمد، اثربخش و نهادهایی است که از صلاحیت‌های مشخص و مبتنی بر اصول حقوق عمومی برخوردار باشند. در نظام حقوقی ایران با ملاحظه قوانین مرتبط، به‌ویژه مفاد قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز، صلاحیت و اختیارات نهادهای نظارت کننده توسط قانون‌گذار تبیین شده است. با نگاه تحلیلی و تعمق در مفاد قانون ملاحظه می‌شود که نهادهای دارای صلاحیت در این حوزه، از جمله ستاد مبارزه با قاچاق کالا و ارز، گمرک، سازمان تعزیرات حکومتی، بانک مرکزی و ...، هیچ‌گونه تعارض و هم‌پوشانی ندارند؛ بلکه به نوعی مکمل همدیگر هستند و صلاحیت آن‌ها به جهت هم‌افزایی نظارت حداکثری در راستای صیانت از اقتصاد کشور موجب اثربخشی و کارایی بیشتر این نهادها است. در ترکیه وجود سازوکارهای هماهنگی نظیر قوانینی همچون قانون شماره ۵۶۰۷ در جهت مبارزه با قاچاق کالا و قانون ۵۵۴۹ به منظور پیشگیری از پول‌شویی اثر قابل ملاحظه‌ای در تسریع کشف و تحقیق جرائم مرتبط با قاچاق و پول‌شویی دارد. در مالزی نیز در راستای مبارزه با قاچاق کالا و ارز قانون‌گذار قوانین بسیار مهمی از جمله قانون گمرک مالزی، قانون مبارزه با پول‌شویی و جرائم مالی و قانون کنترل ارز و گردش پول مالزی را وضع نمود. با توجه به مفاد قانون گمرک مالزی، قانون‌گذار ابزارهای قانونی را برای نظارت بر گمرک، صریحاً تبیین نموده است. در مجموع می‌توان گفت که در کشورهای مورد مطالعه هر سه قوه به نحوی نظارت بر قاچاق کالا و ارز دارند البته قوه مجریه در این حوزه مطابق مفاد قوانین مرتبط مورد اشاره به مراتب از اختیارات نظارتی گسترده‌تری برخوردار است؛ اما دامنه صلاحیت نهادها بستگی به قوانین مختص هر کشور دارد.

منابع

- ابراهیمی، شهرام، دانش، مصطفی، ۱۳۹۸، «تحلیل شکلی - ماهوی قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز»، دو فصلنامه مطالعات حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دوره ۴۹، ش ۲، پیاپی ۱۳، ۳۰۹-۲۸۱.
- آقای طوق، مسلم، لطفی، حسن، (۱۴۰۱)، حقوق اداری ۱، تهران: انتشارات شرکت سهامی عام، چاپ سوم،
- تقی‌زاده، احمد و منصوری‌زاده، خلیل، (۱۴۰۳)، «نظارت پارلمانی و نقش دیوان محاسبات کشور در گزارش تفریغ بودجه»، مجله برنامه‌ریزی و بودجه، شماره ۱۶۴، ۱۶۱-۱۳۵.
- تقی‌زاده، جواد، نجابت‌خواه، مرتضی، قلی‌زاده، عادل، (۱۳۹۴)، «مسئله نظارت اساسی قضات محاکم بر قوانین عادی»، فصلنامه راهبرد، سال ۲۴، شماره ۷۶، ۱۲۵-۱۴۴.
- جلیلی، آیت‌اله، دهقان، فرشید، مؤمن، مهرداد. (۱۴۰۴) «استقلال یا پاسخگویی: تأملی بر نهاد نظارت قضایی در نظام حقوقی ایالات متحده»، فصلنامه تحقیقات حقوقی، دوره ۲۸، ش ۳، ۱۷۸-۱۵۹.
- درویشی، بابک، دبیرنیا، علیرضا، جلیلی، آیت‌اله، (۱۴۰۳)، حقوق مالی با رویکرد حقوق عمومی، قم: انتشارات دانشگاه قم، چ ۲.
- شفیعی سردشت، جعفر، گرجی‌ازندریانی، علی اکبر، فاضلی نژاد، جواد، (۱۳۹۷)، «کژتابی مفهومی نظارت در نظام حقوقی ایران». فصلنامه حقوق اداری، سال ششم، ش ۱۶، ۸۸-۶۳.
- عقیقی، امین، مرشدی، مسعود. (۱۴۰۴)، «تحلیل و نقد رویکرد موجود در زمینه مبارزه با قاچاق کالا و ارز در پرتو حکمرانی چندسطحی»، فصلنامه مطالعات حقوق عمومی، دانشگاه تهران، دوره ۵۵، ش ۲، ۱۴۰۵-۱۳۷۹.
- قاسمی، غلامعلی، زارعی، پروین و مؤمن، مهرداد. (۱۴۰۲). «فساد عمومی و نظام حقوقی (تأملی بر نقش سازمان‌های غیردولتی در ارتقاء شفافیت قضایی)»، فصلنامه پژوهش تطبیقی حقوق اسلام و غرب، دوره ۱۰، ش ۴، پیاپی ۳۸، ۹۷-۱۱۶.
- قانون شماره ۵۶۰۷ ترکیه مصوب ۲۰۰۷
- قانون شماره ۵۵۴۹ ترکیه
- قانون گمرک مالزی (Customs Act 1967)
- قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز (با اصلاحات ۱۱/۱۰/۱۴۰۰ مجلس شورای اسلامی)
- مشهدی، علی، (۱۳۹۷)، فرهنگ اصطلاحات حقوق اداری، تهران: شرکت سهامی انتشار، چ اول.
- مشهدی، علی، (۱۴۰۲)، «نظارت قضایی بر اعمال دولت در چارچوب اصل حاکمیت قانون و آثار آن»، فصلنامه قضاوت، دوره ۲۳، ش ۱۲۳، ۸۷-۷۶.
- مظهری، محمد، رجبی علوی، حمید، (۱۴۰۳)، «رویکردهای نظارت بر بانک‌ها و مؤسسات اعتباری»، فصلنامه دستاوردهای نوین در حقوق عمومی، سال سوم، شماره یازدهم، ۵۵-۳۶.
- ویژه، محمدرضا، (۱۳۹۳)، «ارزیابی صلاحیت نظارتی رئیس مجلس شورای اسلامی بر مصوبات دولت»، فصلنامه پژوهش‌نامه حقوق اسلامی، سال پانزدهم، شماره اول (پیاپی ۳۹)، ۲۴۹-۲۱۳.
- یآوری، امیرحسین، برازی، علیرضا، مؤیدی خرم‌آبادی، علی، (۱۴۰۱)، «یادگیری سیاستی در سیاست‌های مبارزه با قاچاق کالا و ارز: بررسی قوانین برنامه‌های پنج ساله اول تا ششم کشور»، فصلنامه علمی مطالعات مدیریت راهبردی دفاع ملی، سال ششم، شماره ۲۳، ۳۲۸-۲۹۳.

- Aghenitei, M., & Samdani, L. J. (2022). Public Health and The Rule of Law. *Medp Public Health Epidemiol*, 1(1).
- Allan, T. R. (2003). *Constitutional justice: a liberal theory of the rule of law*. OUP Oxford.
- Bingham, L. (2007). The rule of law. *The Cambridge Law Journal*, 66(1), 67- 85.
- Boughey, J. (2015). The reasonableness of proportionality in the Australian administrative law context. *Federal Law Review*, 43(1), 59- 90.
- Bovens, M. (2010). Two Concepts of Accountability: Accountability as a Virtue and as a Mechanism. *West European Politics*, 33(5), 946- 967.
- Bovens, M., & Wille, A. (2021). Indexing watchdog accountability powers a framework for assessing the accountability capacity of independent oversight institutions. *Regulation & Governance*, 15(3), 856- 876.
- Fisher, E., & Shapiro, S. A. (2020). *Administrative competence: Reimagining administrative law*. Cambridge University Press, 22-1 .
- Gersen, J. E., & Stephenson, M. C. (2014). Over-accountability. *Journal of Legal Analysis*, 6(2), 185- 243.
- Hachez, N., & Wouters, J. (2011). A glimpse at the democratic legitimacy of private standards: Assessing the public accountability of GLOBALG. AP. *Journal of International Economic Law*, 14(3), 677- 710.
- Harlow, C. (2006). Global administrative law: the quest for principles and values. *European journal of international law*, 17(1), 187- 214.
- Ismail, S., & Jaafar, N. (2015). Drug smuggling in Malaysia-Our recent case files. *Malaysian Journal of Forensic Sciences*, 5(1), 44- 47.
- Janderova, J. (2019). Impact of the rule of law as a fundamental public governance principle on administrative law interpretation in the Czech Republic. *Cent. Eur. Pub. Admin. Rev.*, 17(2), 117- 139.
- Kırıcı, M. M., Yıldırım, U., & Inegöl, G. M. (2022). Prevention of illicit fuel activities in maritime: case study of Turkey. *International Journal of Sustainable Energy*, 41(7), 889- 908.
- Koliba, C. (2025). Liberal democratic accountability standards and public administration. *Public Administration Review*, 85(1), 21- 31.
- Omar, N., Said, R., & Johari, Z. A. (2016). Corporate crimes in Malaysia: a profile analysis. *Journal of Financial Crime*, 23(2), 257- 272.
- Ozturk, B. (2019). Fransa ve Türkiye’de Uluslararası Koruma Statüsü Değerlendirme İşlemlerinin Yargısal Denetimi. *Ankara Barosu Dergisi*, 77(3), 95- 117.
- Price, Z. S. (2014). Enforcement discretion and executive duty. *Vand. L. Rev.*, Vol. 67:3, 671- 769.
- Pavlidis, G. (2020). Financial information in the context of anti-money laundering: Broadening the

- access of law enforcement and facilitating information exchanges. *Journal of Money Laundering Control*, vo.23.no.2, 369- 378.
- Ranjan, P. (2014). Using the public law concept of proportionality to balance investment protection with regulation in international investment law: A critical appraisal. *Cambridge International Law Journal*, 3(3), 853- 883.
- Raz, J. (2017). The rule of law and its virtue. In *The rule of law and the separation of powers* . Routledge, 77- 94.
- Rock, E. (2017). Accountability: a core public law value?. *Australian Journal of Administrative Law*, 24, 3, 1- 24. DOI: 10.2139/ssrn.3195567
- Sever, T. (2017). Liability and Compensation for Damages in case of Violation of the Principles of Accountability and Good Governance. *Int'l Pub. Admin. Rev.*, Vol.15, N(374-59 (4-.
- Toktas, S., & Selimoglu, H. (2012). Smuggling and trafficking in Turkey: An analysis of EU-Turkey cooperation in combating transnational organized crime. *Journal of Balkan and Near Eastern Studies*, 14(1), 135- 150.
- Turksen, U., Ufuk Mısırlıoğlu, İ., & Yukselturk, O. (2011). Anti-money laundering law of Turkey and the EU: an example of convergence?. *Journal of Money Laundering Control*, 14(3), 279- 296.
- Yoruldu, M., & Turan, G. (2024). Akaryakıtla bağlı vergi kaçakçılığı suçunun kacakçılık ve organize suçlarla mücadele raporları kapsamında incelenmesi. *Journal of Accounting and Taxation Studies*, 17(1), 13- 33.

چکیده تفصیلی

تنظیم‌گری کارآمد صلاحیت نهادهای نظارتی در مواجهه با قاچاق کالا و ارز، برای تعادل، شکوفایی و توسعه نظام اقتصادی حائز اهمیت است. هدف این پژوهش، تبیین حدود و آثار صلاحیت نهادهای ناظر در مبارزه با پدیده قاچاق کالا و ارز در ایران و برخی کشورهای اسلامی نظیر ترکیه، مالزی است. این موضوع از ابعاد مختلف حقوقی نظیر نظام کیفری ایران قابل بررسی است. شایان ذکر است این مقاله با رویکرد حقوق عمومی نگاشته می‌شود و مباحث مرتبط با حوزه کیفری از دامنه شمول سطور پیش‌رو خارج دانسته می‌شود و در پژوهش دیگری به آن پرداخته خواهد شد. مهم‌ترین مسئله پژوهش این است که آیا اختیار و صلاحیت نظارتی نهادهای ناظر در جهت مبارزه با قاچاق کالا و ارز تعارض و هم‌پوشانی دارد؟ همچنین به موازات آن، سؤالات فرعی نیز قابل طرح است. از جمله اینکه؛ جایگاه اصل تناسب در صلاحیت و مداخله نظارتی چگونه ارزیابی می‌شود؟ فرضیه پژوهش بر این امر استوار است که با ملاحظه قانون قاچاق کالا و ارز می‌توان ادعان داشت که تعارض و هم‌پوشانی در صلاحیت و اختیارات نهادهای نظارتی مطابق قانون مزبور وجود ندارد و وظایف تمامی دستگاه‌ها و نهادهای ناظر در این قانون از هم تفکیک شده است. در این پژوهش برآنیم تا نخست مبانی نظری و قانونی صلاحیت نهادهای نظارتی در مقابله با قاچاق کالا و ارز را مورد بررسی و تحلیل قرار داده، سپس اصل تناسب در صلاحیت و مداخله نظارتی را واکاوی و در نهایت صلاحیت نهادهای نظارتی در نظام‌های حقوقی کشورهای اسلامی ترکیه و مالزی را تحلیل و با رویکرد تطبیقی مورد مذاقه قرار دهیم. همان گونه که ملاحظه می‌شود از دیدگاه مبانی حقوق عمومی اقتصادی با مطالعه قوانین و مقررات مرتبط با حوزه قاچاق کالا و ارز در نظام حقوقی ایران و همچنین با نگاهی به دو کشور ترکیه و مالزی، صلاحیت و اختیارات نهادهای ناظر بر اساس قواعد و مقررات و در راستای اصل حاکمیت قانون می‌باشد. مقابله با پدیده قاچاق در تمامی ابعاد آن، مستلزم وجود سازوکارهای نظارتی کارآمد، اثربخش و نهادهایی است که از صلاحیت‌های مشخص و مبتنی بر اصول حقوق عمومی برخوردار باشند. در نظام حقوقی ایران با ملاحظه قوانین مرتبط، به ویژه مفاد قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز، صلاحیت و اختیارات نهادهای نظارت کننده توسط قانونگذار تبیین شده است. با نگاه تحلیلی و تعمق در مفاد قانون ملاحظه می‌شود که این نهادهای دارای صلاحیت در این حوزه، از جمله ستاد مبارزه با قاچاق کالا و ارز، گمرک، سازمان تعزیرات حکومتی، بانک مرکزی و ...، هیچ‌گونه تعارض و هم‌پوشانی ندارند، بلکه به نوعی مکمل هم‌دیگر هستند و صلاحیت آنها به جهت هم افزایی نظارت حداکثری در راستای صیانت از اقتصاد کشور موجب اثربخشی و کارایی بیشتر این نهادها است. در ترکیه وجود سازوکارهای هماهنگی نظیر قوانینی هم‌چون قانون شماره ۵۶۰۷ در جهت مبارزه با قاچاق کالا و قانون ۵۵۴۹ به منظور پیشگیری از پول‌شویی اثر قابل ملاحظه‌ای در تسریع کشف و تحقیق جرایم مرتبط با قاچاق و پول‌شویی دارد. در مالزی نیز در راستای مبارزه با قاچاق کالا و ارز قانونگذار قوانین بسیار مهمی از جمله قانون گمرک مالزی، قانون مبارزه با پول‌شویی و جرائم مالی و قانون کنترل ارز و گردش پول مالزی را وضع نمود. با توجه به مفاد قانون گمرک مالزی، قانونگذار ابزارهای قانونی را برای نظارت بر گمرک، صریحاً تبیین نموده است. در مجموع می‌توان گفت که در کشورهای مورد مطالعه هر سه قوه به نحوی نظارت بر قاچاق کالا و ارز دارند البته قوه مجریه در این حوزه مطابق مفاد قوانین مرتبط مورد اشاره به مراتب از اختیارات نظارتی گسترده‌تری برخوردار است؛ اما دامنه صلاحیت نهادها بستگی به قوانین مختص هر کشور دارد.

Extended Abstract

Effective regulation of the jurisdiction and powers of oversight bodies in addressing the smuggling of goods and foreign currency is of considerable importance to the balance, prosperity, and development of the economic system. This study aims to elucidate the scope and effects of the jurisdiction of supervisory bodies in combating the smuggling of goods and foreign currency in Iran and selected Islamic countries, including Türkiye and Malaysia. The subject may be examined from various legal perspectives, including the criminal justice system of Iran. It should be noted that this article is written from a public-law perspective; accordingly, matters pertaining to the criminal-law sphere fall outside the scope of the present discussion and will be addressed in a separate study. The principal research question is whether the supervisory authority and jurisdiction of oversight bodies in combating goods and foreign currency smuggling give rise to conflicts or overlaps. In parallel, a number of subsidiary questions may also be raised, including how the principle of proportionality should be assessed in relation to supervisory jurisdiction and intervention. The research hypothesis is premised on the proposition that, having regard to the Law on Combating the Smuggling of Goods and Foreign Currency, there is no conflict or overlap in the jurisdiction and powers of supervisory bodies under the said Law, and that the duties of all supervisory agencies and institutions are differentiated from one another therein. This study first reviews the theoretical and legal foundations of the jurisdiction of supervisory bodies in combating goods and foreign currency smuggling. It then examines the principle of proportionality in supervisory jurisdiction and intervention and, ultimately, analyses the jurisdiction of supervisory bodies in the legal systems of Türkiye and Malaysia and undertakes a comparative examination thereof. As the analysis demonstrates, from the perspective of the foundations of public economic law, an examination of the laws and regulations governing goods and foreign currency smuggling in the Iranian legal system, together with consideration of the legal frameworks of Türkiye and Malaysia, indicates that the jurisdiction and powers of supervisory bodies are exercised on the basis of applicable rules and regulations and in accordance with the principle of the rule of law. Addressing the issue of smuggling in all its dimensions requires effective and efficient oversight mechanisms and institutions vested with clearly defined powers grounded in the principles of public law. In the Iranian legal system, having regard to the relevant legislation, particularly the provisions of the Law on Combating the Smuggling of Goods and Foreign Currency, the legislature has delineated the jurisdiction and powers of supervisory bodies. An analytical and careful examination of the provisions of the Law demonstrates that the institutions vested with jurisdiction in this field - including the Headquarters for Combating the Smuggling of Goods

and Foreign Currency, the Customs Administration, the Government Discretionary Punishments Organization, and the Central Bank, - do not have conflicting or overlapping jurisdictions; rather, they are, in a sense, complementary to one another. Their respective jurisdictions, through the synergistic effect of comprehensive oversight aimed at safeguarding the national economy, contribute to enhancing the effectiveness and efficiency of these institutions. In Türkiye, the existence of coordination mechanisms, including legislation such as Law No. 5607 on the fight against smuggling and Law No. 5549 on the prevention of money laundering, has a significant effect on expediting the detection and investigation of offences related to smuggling and money laundering. In Malaysia, likewise, the legislature has enacted important legislation in the fight against goods and foreign currency smuggling, including the Malaysian Customs Act, the Anti-Money Laundering, Anti Financing and Proceeds of Unlawful Activities Act, and the Malaysian Currency Control and Money Circulation Act. Under the Malaysian Customs Act, the legislature has expressly provided the legal instruments for oversight of customs authorities. Overall, it may be concluded that, in the legal systems examined, all three branches of government exercise, in one form or another, oversight in relation to goods and foreign currency smuggling. The executive branch, however, enjoys considerably broader supervisory powers in this field pursuant to the relevant legislation referred to above. Nevertheless, the scope of the jurisdiction of the relevant institutions depends on the specific legislation applicable in each country.

Keywords:

Supervisory Competence, Supervisory Institution, Smuggling of Goods and Currency, Iran, Economic Public Law

